چنین گفت زرتشت

حجم آثاری که بایستی بزبان فارسی درآیند آنچنان زیاد است که برای ترجمهء آنها کوششی مدام و چندین ساله لازم میآید.اما این نقص هرگز ایجاب نمیکند که ترجمه هائی‏ سست و نادرست و با عجله انتشار یابند.

عقاید«نیچه»هرچه بود،استادی او در زبان آلمانی و توانائی خارق العاده‏اش در بازی با کلمات و موزون کردن جملات بوضعی همانند شعر مسلم است.و آمدن ترجمهء آثار و شرح احوالش و انتقادهای نقادان بر او بزیان فارسی امری است الزامی.نثر«نیچه»سه‏ خصوصیت اساسی دارد:اول Archaique ،یعنی سنگین وزن و بوزن نوشته‏های مذهبی عتیق‏ است؛دوم Iaconique یعنی کوتاه و پرمعنی است؛و سوم Dithyrambique یعنی‏ فروزان و با فوران است.و البته ترجمهء آثار او بایستی واجد صفات فوق باشد.

آقای دکتر هوشیار استاد دانشگاه که سالها در آلمان دربارهء فلسفه و ادبیات آن کشور تحقیق کرده‏اند،کتاب«چنین گفت زرتشت»نیچه را که شاهکار او محسوب است ترجمه‏ کرده‏اند.و با آنکه در سخنرانی خود راجع به نیچه وجود یک«حافظ»را برای ترجمهء این‏ کتاب لازم دانستند،ولی واقعا آنچنانکه باید حق مطلب را ادا کرده‏اند و شاید برای‏ اولین بار ترجمه اصیل و در عین حال فصیح در زبان فارسی بوجود آورده‏اند.ترجمهء این‏ اولین بار ترجمه‏ای اصیل و در عین حال فصیح در زبان فارسی بوجود آورده‏اند.ترجمهء ایشان‏ بر اصول سه‏گانه مذکور استوار است.و حلاوت و لطافت مخصوصی در جملات فصیح آن شخص‏ را متوجه نثر آلمانی نیچه میسازد.و چنانکه شنیده‏ام اشخاص دیگری نیز بترجمهء این اثر دست‏ یازیده‏اند.ولی تا آنجا که من میدانم،گذشته از صلاحیت غیر قابل بحثی که آقای دکتر هوشیار در این امر دارند،دیگر آقایان از ترجمه‏های این کتاب بزبانهای دیگر ترجمه کرده‏اند؛ و آنرا با نثر معمول در رمانها و روزنامه‏ها و با بکار بردن«اغلاط مصطلح!»بزبان فارسی‏ آوردند.از لحاظ آنکه ترجمهء اصیل و فصیح برای فارسی‏زبانان کمی مجهول است،و هنوز قدر استاد و دانشمند آنچنانکه باید شناخته نشده،انتظار داریم که آقای دکتر هوشیار ترجمهء«چنین گفت زرتشت»و سخنرانی خود را دربارهء نیچه چاپ کنند و زبان فارسی‏ را با داشتن ترجمه‏ای اصیل و شنوا غنی سازند.اینک برای آنکه خوانندگان به نثر ترجمهء ایشان(که چندین‏بار تغییر پذیرفته و اصلاحات متعددی شده است،و معهذا هنوز ایشان آنرا کامل نمیدانند)آگاهی یابند و در عین حال اصالت ترجمه را دریابند چند جمله از صفحه اول‏ آن(با اجازهء آقای دکتر هوشیار)نقل میکنیم،و خوانندگان را بمقایسهء این ترجمه با اصل‏ آلمان و ترجمه دیگر دعوت مینمائیم:

«....هان بنگر؛که چگونه از فرزانگی خود سرشارم:چنان زنبوری که شهد بسیار گرد آوریده باشد،دستهائی بایدم که بهر نیاز دراز گردد.

دل چنین خواهد که چندان بخشم و پاشم که فرزانگان دیگر بار بدیوانگی شاد و بیچارگان‏ دیگربار از توانگری خویش فرحناک گردند.

پس اکنون تو ای چشم آرام آسمان مرا توفیق بخش و یاری کن!توئی که سعادت‏ بیکران دیگران را بیرشک توانی دید!

فزونی ده و خجستگی بخش جام جانرا که درین لحظه لبریز میشود،تا از آن زرین‏ آب ریزد؛و بر هستی از خوشی تو روشنی بیفشاند.

هان بنگر!این جام دگر بار تهی شدن خواهد و زرتشت دگر بار جلوهء آدمی گرفتن! چنین آغاز شد گرائیدن زرتشت بپستی!...»هوشنک ایرانی

مجمع الخواص:

این تذکره مشتمل بر ترجمهء احوال 333 تن از شعرای دورهء صفویه و منتخبانی از اشعار آنان است که صادقی افشار کتابدار شاه عباس کبیر آنرا بزبان ترکی چغتائی تألیف کرده‏ است و اصل و ترجمه هر دو در 227 صفحه وزیری انتشار داده‏اند.

مترجم دانشمند از سه نسخهء خطی موجود در کتابخانه‏های استانبول استفاده نموده‏اند بدین ترتیب که نسخهء شماره 4085 کتابخانهء اونیورسیتهء استانبول را متن قرار داده اختلافات‏ آنرا با دو نسخهء دیگر(نسخهء شماره 3720 کتابخانهء نور عثمانیه و نسخهء شماره 4097 کتابخانهء اونیورسیته در پاورقی نشان داده‏اند.و در نقل اصل متن کمال دقت را بکار برده‏اند.حتی‏ در املای کلمات هم تغییری داده نشده است.

اهمیت این کتاب از آنجا است که مؤلف خود با شعرای مذکور در آن معاصر بوده و حتی اغلب آنان را دیده و با بعض ایشان سالها معاشرت داشته است و ازینرو در صحت‏ مندرجات آن جای هچگونه شبهه و تردیدی باقی نمیماند و چون خود نیز شاعر و ادیب و صاحب‏ قریحه بوده در انتخاب حسن سلیقه نشان داده و بهترین اشعارشان را برگزیده است.اسلوب‏ انشای کتاب نیز بسیار شیرین و جالب است.مترجم محترم بیش از سلاست و انسام مطابقت با اصل را در ترجمهء رعایت کرده و بقول خود نخواسته‏اند معنی را فدای لفظ کرده باشند،و میتوان گفت شیرینی اصل بترجمه نیز سرایت کرده است چنانکه خواننده بهیچوجه از خواندن‏ این کتاب در خود احساس خستگی نمیکند.

این تذکره بقول مؤلف بتقلید«مجالس النفایس»علیشیر نوائی تألیف شده و در واقع‏ دنباله و متمم آن میباشد و مرجع مهم و مفیدیست بر شعر و شعرای ایران در قرن دهم هجری. زحمات آقای دکتر عبد الرسول خیامپور قابل تقدیر است.